

سلطان محمد، نگارگر پویانما

(بررسی حرکت و فانتزی در پیکره‌های آثار سلطان محمد نقاش)





سلطان محمد، نگارگر پویانما

مؤلف: سید محمد طاهری

صفحه آرا: ناصر حسینی

طرح جلد: سید محمد صادق هاشمی

ناظر چاپ: حامد بازارگان

انتشارات: شفیق

چاپ: آلفا

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۵۷۳-۴-۵

تلفن دفتر نشر: ۰۹۱۲۲۵۲۶۴۵۹ / ۰۲۵-۳۷۸۳۶۷۶۴

وب سایت انتشارات: www.shafighpub.com

مرکز پخش: کتاب آبان

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۵۰۱۲

برشنامه: طاهری، سید محمد، ۱۳۶۱-.

عنوان و نام پدیدآور: سلطان محمد نگارگر پویانما: بررسی حرکت و فانتزی در پیکره‌های آثار سلطان

محمد نقاش / مؤلف: سید محمد طاهری.

مشخصات نشر: قم: شفیق، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص:، مصور (رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۵۷۳-۴-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابخانه.

عنوان دیگر: بررسی حرکت و فانتزی در پیکره‌های آثار سلطان محمد نقاش.

موضوع: س.ل.ط.ان م.ح.م.د. قرن ۱۰ ق.

موضوع: مینیاتوریست‌ها -- ایران.

موضوع: مینیاتور ایرانی -- قرن ۱۰ ق.

رده بندی کنگره: ۷۳۹.۲ / ۸۵۸ س / ND۲۲۴۱

رده بندی دیویی: ۷۳۵ / ۶۷۰.۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۱۷۲۸

فهرست

۵ / دیباچه

۶ / مقدمه

فصل اول : تعاریف و اصطلاحات

۱۲ / حرکت

۱۸ / فانتزی

فصل دوم: سلطان محمد نقاش

۲۴ / مختصری در زندگی سلطان محمد نقاش

۲۶ / نوآوریهای سلطان محمد در عرصه نگارگری

۳۰ / سلطان محمد و هم عصرانش

۳۰ / آقا میرک

۳۲ / میر مصور

۳۲ / شیخ زاده

۳۳ / دوست محمد

۳۳ / دوست محمد (دوست دیرینه دوست مصور)

۳۳ / دوست محمد (گواشانی) هروی

۳۳ / میرزا علی

۳۴ / مظفر علی

۳۴ / میر سید علی

فصل سوم: مطالعه حالات و حرکات مختلف فیگور انسان و فانتزی موجود در آن در

نگاره‌های سلطان محمد

۳۸ / سنجش میزان تناسبات آناتومی در فیگورهای انسانی سلطان محمد

۴۴ / نمودار شماتیک ساختار استخوانبندی فیگورهای انسانی سلطان محمد

۵۲ / فیگورهای انسانی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر در متن نگاره‌های سلطان محمد

۵۸ / نوآوری‌های سلطان محمد در ترسیم فانتاستیک فیگورهای انسانی

فصل چهارم: تجسم حرکت در چند فیگور انسانی سلطان محمد

۸۲ / تجسم عینی حرکت در برخی از فیگورهای انسانی و شبه انسانی سلطان محمد نقاش

۸۸ / نتیجه گیری

فهرست منابع و مآخذ

Introduction

دیباچه

دوم است. این پژوهش سعی در بررسی دقیقتر و موشکافانه‌ی این نگاره‌ها از دو منظر یادشده حرکت و فانتزی - دارد؛ دو عنصری که جزو المانهای بسیار مهم و پایه‌ای در هنر انیمیشن نیز می‌باشند.

در نقاشی سنتی ایرانی با نگاهی آشنا می‌شویم که در جستجوی تجرد از ماده و تمثیل حقایقی که در پس آن نهفته است، محور مختصات دریافت بصری ما را تغییر میدهد و قوانین متعارف و این جهانی دیدن و درک کردن را دگرگون می‌سازد. در یک فضای سراسر فانتزی مانند عالم نگارگری ایرانی، نظامی مخصوص حاکم است و تمامی کیفیات و کمیت‌ها تحت تاثیر آن قرار دارند. از جمله این سوار عصر "حرکت" است. نگارگر ایرانی که زیر سایه حکمت و ادبیات غنی و خیال انگیز ایرانی نقاشی میکند، برای "حرکت" نقشی ارزشمند قائل است و هرچند ابزاری برای تجسم عینی حرکت در اختیار ندارد، سعی میکند بر روی همان سطح دو بعدی کاغذ که ابزار کار اوست، به بهترین وجه ممکن به مصور نمودن حرکات مورد نظر خویش بپردازد. اغراقها و استیلیزاسیون‌هایی که در فرم فیگورهای انسانی اعمال می‌شوند، همگی واجد فانتزی و حرکتی خاص هستند.

یکی از بزرگترین نگارگران ایرانی که عنصر حرکت در آثار وی بیش از دیگران به چشم می‌خورد و همچنین به تجسم فضاهایی سرشار از فانتزی و خیال ناب در نگاره‌هایش پرداخته است، سلطان محمد نقاش، از نگارگران مکتب تبریز

مقدمه

بی تردید عرصه بی‌کران هنرها در طی زمان روز به روز، بل به مدد رسانه‌های تکنولوژیک معاصر، ساعت به ساعت در حال رخ نمایاندن به بشری است که نقطه آغازین فهم خویش از رازهای طبیعت و هستی را در قالب زبان هنر دریافت؛ بی آنکه با آسمان براری که از آن در این راه مدد جسته روزی هنر "هنر" به خود خواهد گرفت. در این رهگذر چندین هزار ساله و به سبب شکل‌گیری تمدن‌ها و فرهنگ‌های بومی در جای‌جای جهان زبان هنر هم‌زمان با گسترش روز افزون خویش به حال و هوای اقلیمی و بومی هر منطقه درآمد و در نتیجه منتج به ره‌آوردی به نام "سنت‌های هنری" شد. البته لازم به ذکر است که در هر زمان براساس مبادلات تجاری و فرهنگی و یا حتی یورش‌ها و دخل و تصرفات نظامی و سیاسی، بسیاری از این سنن جای خود را به یکدیگر داده و بسیاری نیز با هم ترکیب شده و به سیاقی جدید و شیوه‌ای نوین بدل گشته‌اند. اما به سبب تداوم همین شیوه‌های نوین در طول سده‌های متمادی شاهد تجدید حیات و یا بروز سنن‌های دیگری هستیم.

سرزمین ایران دارای یکی از دیرین‌ترین و اصیل‌ترین سنت‌های هنری در درازای تاریخ است. شرح کامل ویژگی‌های مختلف ارزش‌های هنری ایران، خود مجال مستقل

می‌طلبد که در حوصله این کتاب نیست، به همین قدر بسنده می‌کنیم که یکی از وجوه تمایز بسیار ارزشمند فرهنگ و هنر ایرانی، همانا قابلیت آمیختگی و تعامل با فرهنگ‌های ملل دیگر و نیز هضم و جذب سنت‌ها و خصلت‌های آنان در قالب فرهنگ بومی خویش است. چنین خصوصیتی آن چنان که در هنر ایران مشاهده شده شاید در هیچ تمدنی همانند و هم‌اورد ندارد. در سال‌های اخیر نیز طبق همین ویژگی دیرینه، هنرمندان این سرزمین اهتمام خویش را بر یافتن زبانی نوین و پویا برای بیان تفکرات و احساسات و اعتقادات خویش بنا نهاده‌اند. به همین سبب آرد ستاوردها و ابزارها و رسانه‌های نوین یاری جدی در تکمیل زبانشناسی را با بیان هنری معاصر درمی‌آمیزند.

یکی از رسانه‌های هنری معاصر که امروزه به یک ابزار تاثیرگذار و پر جذب در عرصه فرهنگ و هنر چند رسانه‌ای بدل شده، هنر "انیمیشن" است. عواملی متعدد در این جذابیت و محبوبیت روزافزون سهیم‌اند. از جمله آنها می‌توان به زبان غالباً طنز آمیز، چند رسانه‌ای بودن، فانتزی یا تخیل (که در صفحات آینده در رابطه با آن بیشتر سخن خواهیم گفت) اشاره نمود؛ نیز تنوع سبک‌ها و تکنیک‌ها و ساختارهای هنری آن که باعث ایجاد ارتباط با انواع سلاقی و شیوه‌های نگرش و ایدئولوژی‌های مختلف

گردیده و به همین سبب دارای گستره و برش تبلیغاتی بسیار زیادی برای آن شده است.

هنگامی که به تماشای يك فیلم انیمیشن می‌نشینیم، در کنار لذت بردن از آن به عنوان يك وسیله سرگرمی^۱، بسیاری از عوامل بصری و جلوه‌های سینمایی و صوتی از نظرگاه مان می‌گذرند که گاه به عنوان يك مخاطب عام اصلا به این عوامل توجه نمی‌کنیم.

از میان تمامی عوامل تشکیل دهنده يك فیلم انیمیشن، "حرکت" و "فانتزی" دو عنصر بسیار مهم و کلیدی در این هنر می‌باشند. این که بدانیم چه نوع فضای فانتزی بر عالم داستان ما حکم فرماست، نوع گرافیک اثر و نحوه شخصیت پردازی‌ها^۲ را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به همین ترتیب، چگونگی حرکت کاراکترها مشخص می‌گردد.

متحرک‌سازان و کارگردانان در مراحل آغازین يك پروژه انیمیشن، سعی می‌کنند ساعلی را به مطالعه در منابع تصویری و کتابهای مختلف بگذرانند و شاید ماهها به ایده‌یابی بپردازند، که البته این بخش یکی از مهمترین مراحل کار است. این منابع می‌توانند آثار تصویری گذشته مربوط به ملل مختلف و یا حاصل تحقیقات محققین در مورد اصول روانشناختی و اجتماعی مرتبط با تم داستان باشند.

به طور مثال اگر محل وقوع داستان در ایتالیا و زمان آن قرن هفدهم میلادی باشد، اولین کار، تحقیق در مورد شیوه زندگی، لباسها، قوانین اجتماعی حاکم بر ایتالیای قرن ۱۷ و شاید مهمتر از همه بررسی نقاشی‌های مربوط به آن دوره است. پس از انجام این تحقیقات اولیه است که مراحل ایده‌یابی، طراحی شخصیت، تعیین فضای گرافیکی اثر و باقی عوامل آغاز می‌شود.

1. Entertainment
2. Characterization

در صورتی که بخواهیم به تولید آثاری با هویت ملی دست زده و در جهت خلق انیمیشن‌هایی ایرانی حرکت کنیم، رجوع به آثار تجسمی کشورمان اولین قدم خواهد بود. یکی از مهمترین این منابع بصری که واجد فضایی فانتزی و عالمی ماورایی میباشد نگارگری ایرانی است. مینیاتور ایرانی پنجره‌های گشوده رو به عالم مثال است و در همین نقطه میتواند با انیمیشن تلاقی کند.

عالم مثال، عالم ملکوت است؛ عالمی که حقیقی اما غیرمادی میباشد و دارای فضایی است که میان عالم خاکی و عالم بالا اتصال و پیوستگی ایجاد میکند. بدین معنا که با استفاده از المانهای آشنای عالم محسوس و با بهره‌گیری از سطح دوبعدی کاغذ و حذف کیفیات سه بعدی مانند پرسپکتیو، سعی در القای فضایی وری این عالم مادی دارد. در عالم فانتزی نیز مبتنی بر طبیعت است اما در قوانین آن دخل و تصرف می‌شود و حتی گاه این قوانین نقض می‌گردند. این پژوهش به منظور پی بردن به جزئیات و چند وجه شباه میان فانتزی موجود در نگارگری ایرانی و عالم فانتزی در انیمیشن، و همچنین درک مفهوم حرکت دینگاره‌های ایرانی صورت گرفته است. اما مسئله‌ای که پیش روی نگارنده قرار داشت این بود که از میان مکاتب و دوره‌های مختلف نگارگری ایران، کدام یک برای موضوع مورد بحث مناسبتر است؟ پس از مطالعه بیش از پیش در متون و تصاویر تاریخ‌نگاری ایران، مکتب نگارگری تبریز دوم (صفوی) مد نظر قرار گرفت. این مکتب یکی از درخشان‌ترین و در عین حال اصیل‌ترین دوره‌ها در تاریخ نقاشی ایرانی است که در آن نوایی چون آقامیرک، سلطان محمد، میرمصور و... به ظهور رسیدند و سبکی را بنا نهادند که به کلی از تأثیرات مستقیم نقاشی چینی و مغولی و بیزانسی رها شد و از سوی دیگر، از لحاظ علم

ترکیب‌بندی، غنا و خلوص رنگ و نیز پویایی حرکات فیگورهای انسانی در نقطه اوج و تعالی قرار گرفت.

اما از میان نگارگران مکتب تبریز دوم، به دو دلیل عمده سلطان محمد برای این مبحث در نظر گرفته شد: اول آن که وی را به عبارتی نماینده شاخص این مکتب می‌شناسند و به تعبیر روئین پاکباز و شاید بزرگترین (وارثان کلک بهزاد) باشد. به علاوه سلطان محمد، پس از کمال‌الدین بهزاد، حائز مرتبه ریاست کتابخانه سلطنتی دربار صفوی و سرپرست نگارگران دربار بوده است و همین نکته باعث میشود تا رد پای وی را به عنوان مدیر هنری، در لابلای تمامی و یا اکثریت قریب، به اتفاق آثار به‌جای‌مانده از نسخه‌های خطی مصر آن دوران مانند دیوان حافظ کاریته، شاه‌نامه طهماسبی و خمسه نظامی مشاهده کنیم. مهم آن که در آثار سلطان محمد، نسبت به دیگران شاهد يك بیان پویا و شاداب و ترکیب‌بندی‌های مدور رنگی و از آن مهم‌تر موجوداتی خیالی و افسانه‌ای هستیم. نگاره‌های وی نمودار بسیار خوبی از عالم مثال و فانتزی می‌باشند.

اما در حین انجام این تحقیق، همواره يك سوال ذهن نگارنده را به خود مشغول کرده بود: (اگر قرار باشد فیگورهای انسانی آثار سلطان محمد، در لحظه‌ای از حال ثابت و فریز شده درآمده و حرکت کنند، این حرکت چگونه و حاوی چه کیفیاتی است؟) جستجو برای یافتن پاسخ این سوال، دنیایی از پرسش‌های دیگر، پاسخ‌ها و رازهای ناگشوده را پیش روی نگارنده قرار داد. هر یک از مباحثی که پیشنهاد درک موضوع مورد نظر بود به خودی خود پژوهشی گسترده و مستقل را می‌طلبد و تلخیص و کاربردی نمودن آنها کاری بس دشوار بود. متأسفانه در میان منابعی که به طور کل در زمینه نگارگری ایرانی موجود است، درصد کمی به محققین

ایرانی اختصاص دارد. پژوهشگران خارجی نیز علیرغم تلاش گسترده و ارزشمندی که انجام داده‌اند، در بسیاری از موارد دچار اشتباهاتی فاحش شده‌اند. از میان همین منابع نیز هیچ کدام به طور دقیق به اصول و فلسفه هنر ایرانی و ریشه‌یابی سنتها و به طور خلاصه این که چرا و چگونه هنرمند ایرانی در خلال سالهایی که در غرب، هنرمندان رنسانس سعی در بازنمایی بدن انسان با تناسبات واقعی‌اش داشته‌اند، به فضایی تا این حد تجربیدی و فانتزی و ناب دست یافته است اشارهای نکرده‌اند. بیشتر تحقیقات معطوف به بیان تاریخیچه، ذکر اسامی و منسوب کردن نقاشیها به نقاشان است. در تعداد محدودی از متون نیز اشاراتی به اصول زیبایی‌شناختی بصری، نحوه کاربرد رنگها و ترکیب‌بندی آثار شده است.

آنچه در پیش روی دارید، حاصل مسیری است که نگارنده در طول چندین سال برای یافتن پاسخ سوالات خود پیموده است. با این امید که حاصل چنین پژوهش‌هایی در راه پیشبرد و تعالی هنرهای در سرزمین ایران مفید فایده واقع شود. نگارنده، کار که کشورهایی چون ژاپن و چین و کره آغاز کرده‌اند و با بیانی نه کهنه و خسته کننده، که پویا و امروزی، سخن از اعتقادات و ارزش‌های بصری خود می‌گویند؛ بیانی که در عین بومی بودن، به دل جهانیان می‌نشیند.

در اینجا بر خویش لازم می‌دانم تا از زحمات و راهنمایی‌های بی‌دریغ اساتید و هنرمندان گرامی، سرکار خانم سارا خلیلی، جناب آقای دکتر بهرام احمدی و استاد بزرگوار جناب آقای دکتر بهنام جلالی جعفری و تمامی اساتید عزیز که ذکر نام‌شان در این مجال کوتاه نمی‌گنجد، نهایت سپاس و قدردانی را ابراز نمایم. باشد که با مطالعه این نوشتار همچنان با نقدها و نظرات ارزشمند خویش نگارنده را یاری‌گر باشند.